



---

**برتولت برشت**

ترجمه‌ی محمود حسینی‌زاد  
با همکاری نصرت‌الله رستگار

---

**توران دخت**

**یا**

**کنگره‌ی توجیه‌گرها**



## فهرست

---

۹	مقدمه‌ی محمود حسینی‌زاد
۱۳	مقدمه‌ی نصرت‌الله رستگار
۱۷	اشخاص نمایش
۱۹	۱. در کاخ امپراتوری
۲۳	۲. چای‌خانه توجی‌ها
۳۱	۳. در کاخ امپراتوری
۴۱	۴. مدرسه توجی‌ها
۵۱	۵. خانه‌ی یک توجی عالی‌رتبه
۷۷	۶. کنار دیوار شهر
۸۳	۷. در کاخ سلطنتی
۹۵	۸. بازارچه‌ی توجی‌ها
۱۰۹	۹. جلوی رخت‌شوی‌خانه‌ی "شکوفه بادام"
۱۲۱	۱۰. در معبد کوچک و قدیمی منچو

## مقدمه‌ی محمود حسینی زاد

---

این نمایش‌نامه قرار بود در مجموعه آثار برتولت برشت نشر خوارزمی منتشر شود. یعنی همان حدود سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ اما نشد ادامه‌ی کار مجموعه آثار برشت و انتشارش به دلیل شرایط سیاسی آن زمان متوقف شد و بعد هم که نشر خیلی خوب خوارزمی گرفتار انواع مصائب شد. ترجمه‌ی این نمایش‌نامه را در آن دوره که کار گروهی و زیر نظر دکتر فرامرز بهزاد انجام می‌شد، دوست‌ام نصرت‌الله رستگار به عهده گرفته بود.

رستگار مدتی بعد رفت خارج از کشور و ترجمه هم رفت.

چندین و چند سال گذشت، تا سال ۱۳۹۳ که رستگار آمده بود تهران، دیداری داشتیم و این ترجمه را داد که "هرکار دوست داری بکن و به نام خودت"، که خب نمی‌شد. زحمت کشیده بود. اما راضی نبود اسم‌اش در مقام

مترجم روی جلد باشد. پس آن طور که می بینید نوشتم‌اش.

ترجمه را از دکتر رستگار گرفتم و سه‌م‌ام را این طور ادا کردم :

اول: از همان عنوان نمایش‌نامه شروع کردم. این نمایش‌نامه یک عنوان دارد و یک زیرعنوان. عنوان اصلی که توران دخت است. اما برای ترجمه زیرعنوان نمایش‌نامه، یعنی برای فعل weißwaschen باید معادل مناسبی پیدا می‌کردم. به گمانم در ترجمه‌های این متن و در ارجاعات به این نمایش‌نامه در متون فارسی، برداشت اشتباهی از این زیرعنوان شده. فعل دو پاره دارد که پاره‌ی اول فعل یعنی "سفید" و پاره‌ی دوم "شستن". در ترجمه‌ها تا امروز معمولاً مترجم‌ها معادل‌هایی آورده‌اند که ترجمه‌ی یک‌به‌یک دو پاره‌فعل است، آورده‌اند کنگره‌ی "سفیدشویان" یا کنگره "پاک‌شویان"، که اشتباه هم نیست البته، مفهوم این فعل اما، وقتی موارد استفاده‌ی آن را در نظر بگیریم، اندکی تندوتیزتر است، رُک‌تر، یعنی می‌شود "توجه کردن"، "ماله کشیدن" و "ماست‌مالی کردن". من از این مفهوم استفاده کردم. در مقدمه رستگار هم می‌خوانید که این نمایش‌نامه بخشی از مجموعه‌ای است که برشت با همین موضوع و شخصیت‌ها نوشته. یکی از این کارهای برشت مشخصاً عنوان "هنر کاسه‌لیسان" را دارد.

دوم: باید برگردان مناسبی در فارسی پیدا می‌کردم برای شخصیتی که ساخته و پرداخته‌ی برشت است، یعنی "توئی". در مقدمه‌ی رستگار هم می‌خوانید که برشت با پس‌و‌پیش کردن هجاهای واژه‌ی "انتلکتوئل = روشن‌فکر"، به نام "توئی" برای این شخصیت رسیده است. رستگار هم در ترجمه‌اش با واژه‌ی "روشن‌فکر" بازی می‌کند. من برای این عنوان، باز رفتم سراغ "توجه". یعنی برای شخصیت و شخصیت‌هایی که برشت در این نمایش با دست‌کاری در واژه‌ی انتلکتوئل عنوان "توئی" را پیدا کرده است، من با استفاده از "توجه‌گر" عنوان "توجی" را درست کردم. طنین چینی‌اش هم بیش‌تر است!

سوم: زبان و لحن ترجمه‌ی دکتر رستگار را تغییر دادم و آن را به زبان صحنه‌ی نمایش و زبان روز نزدیک کردم. لاجرم در این روند، برای واژه‌ها و اصطلاحاتی که جابه‌جا ترجمه‌ی یک‌به‌یک شده بودند، معنی و مفهوم دیگری گذاشتم، ساختمان جمله‌ها را تغییر دادم.

چهارم: زبان محاوره را انتخاب کردم. نمایش‌نامه از یک طرف متن به‌هم‌پیوسته‌ای دارد، یعنی می‌شود آن را مثل یک روایت خواند. از طرف دیگر تراژدی کمیک است، نوعی مضحکه، پس می‌توان به خواننده یا تماشاگر این فرصت را داد تا نمایش‌نامه را با نثری متناسب با حال و هوای متن بخواند و یا بر صحنه ببیند.

پنجم: تکه‌هایی از متن اصلی که در ترجمه‌ی رستگار نبود، ترجمه و اضافه کردم. مثلاً: توضیح برشت درباره‌ی نحوه‌ی آرایش و چیدمان صحنه یا یکی‌دو صفحه در بخش پایانی نمایش‌نامه.

جهت رعایت امانت و ادای احترام، مقدمه‌ی دوست‌ام نصرت‌الله رستگار عیناً آمده است.

محمود حسینی‌زاد

تهران و جای دیگر، ۱۳۹۶